

نوشته : ك . باتاچارتا

ترجمه : مهدی تقوی

حسابداری و

ارائه اطلاعات مناسب

در چند قرن گذشته، حسابداران نقش مسلطی را در صحنه صنعت بدست آورده اند. در برخی از کشورهای صنعتی شکی نیست که اینان تا حدی مسئول کاهش تولید صنعتی می باشند. بعنوان نگاهدارنده آمار تولید، آنها حسابداران اطلاعات مناسبی را به مدیران به گونه ای که توجه آنان را به عوامل کلیدی که برای بقا و موفقیت واحد تولیدی اهمیت حیاتی دارد جلب کند، ارائه می کنند؟

اخیراً "در یک جلسه بحث رابرت کاپلان استاد دانشگاه هاروارد این مسئله را بطرح یک پرسش جالب مطرح کرد. وی گزارش داد : هنگامی که چندتن از صاحبان صنایع آمریکا در ژاپن دیدن می کردند، با استفاده از اطلاعات موجود دریافته اند که درصدی از محصولات تولید شده در ژاپن که به اصلاحات یا کار مجدد نیاز ندارد ۹۲ می باشد. آمریکا ثیان چنین اطلاعاتی را درباره صنایع ایالات متحده آمریکا در اختیار نداشتند. هنگامی که این گروه، صنایع آمریکا را مورد بررسی قرار دادند دریافته اند که این درصد برای آمریکا برابر ۸ می باشد. اینان کوشش خود را صرف بهبود وضعیت کردند و شش ماه بعد این

درصد به ۶۶ رسید. و از این مهمتر بهره وری تولید نیز ۲۵ درصد افزایش یافت.

تئودور لویت استاد دیگر دانشگاه هاروارد اخیراً اظهار داشته است که "آمار جز با مداخله فکر مابه ما اطلاعاتی ارائه نمی کند. اطلاعات با مفهوم نخواهد بود مگر قدرت تخیل خود را بکار گیریم." مداخله فکر و تخیل برای با مفهوم ساختن آمار ضروری است. برای مثال ارزش - افزوده را در نظر بگیرید. در این زمینه حسابداران عملاً کاری انجام نداده اند. نسبتهایی مانند ارزش افزوده هر کارگر. ارزش افزوده نسبت به سرمایه، هزینه کارگرمی باشد غالباً مهم تر از نسبت فروش به کارگر یا حتی بارده سرمایه می باشند.

مسئله مهم این است که روند نسبتهای ارزش افزوده وضعیت آتی شرکت را مشخص می کنند. مفهوم ارزش افزوده ما را بسوی مفهوم کل بهره وری عوامل راهنمایی می کند. این معیار به ما نشان می دهد که هر رِبال سرمایه گذاری شده و هر ساعت کار انجام شده برای دست یابی به میزان سود مورد نظر کافی است یا نه. بهره وری دیگر معیاری برای بکارگیری - تنها در مورد کارگرمی باشد، بلکه هم می تواند در مورد کارگر و هم سرمایه بکار گرفته شود.

وجه نقد در ترانزنامه نیز یک نمونه دیگر از طرف فکر سنتسی حسابداران می باشد. این میراثی از روزگار حسابداری دو طرفه است در بسیاری از شرکتها وجه نقد منعکس شده در ترانزنامه حتی برای انجام خدمات مورد نیاز جاری نیز غیر کافی است. در چنین حالتی وجه نقد یک ماراد نیست، بلکه پدیده ای است که مدیریت می تواند آن را منبعی برای تامین هزینه های اضافی و اضطراری تصور کند. در بسیاری

از شرکتها اعتبارات در دسترس، دستیابی فوری به منابع نقدی را ممکن می‌سازد. این اطلاعات برای مدیران بیش از مانده حساب نقدی در ترازنامه اهمیت دارد.

بعنوان مثالسی دیگر سهم شرکت از بازار را در نظر بگیرید. هرچه سهم بازار بیشتر باشد، هزینه واحد کمتری گردد. بعقیده گروهی بازده سرمایه گذاری تابعی از سهم بازار است. افزایش سهم بازار، بازده سرمایه را به مقدار کم افزایش می‌دهد اما باعث افزایش حاشیه سود به مقدار قابل ملاحظه ای می‌گردد.

شرکت می‌تواند سود کوتاه مدت خود را به آسانی افزایش دهد. اگر هزینه های سرمایه ای مورد نیاز با خدمات ضروری کاهش یابد، بازده سرمایه گذاری در کوتاه مدت به مقدار قابل ملاحظه ای افزایش خواهد یافت. اما مسئله این است که افزایش بازده تا چه زمانی دوام خواهد داشت؟ یکی از مسدیران ارشد صنعت حمل نقل (در انگلستان) باغور اظهار می‌داشت که هر زمان که شرکت وی قیمت‌ها را ۱۰ درصد افزایش می‌دهد تنها ۵ درصد از مشتریان خود را از دست می‌دهد. نیازی نیست که فردیک ریاضی دان نابغه باشد تا عاقبت چنین شرکتی را پیش بینی کند. اما چند شرکت اطلاعات لازم درباره سهم خود از بازار را در اختیار دارند؟ گزارش سودی که با سهم بازار ارتباط نداشته باشد تنها تصویریك بعدی ارائه خواهد کرد.

اشاره ای به عوامل غیرمالی نیز در این جا ضروری است، برخی از این عوامل اطلاعات بسیار مهمی درباره عملکرد آتی شرکت به ما ارائه می‌کنند. عواملی مانند روابط کارگر و کارفرما، ساعات فهمیت کارکنان، کارآیی، کیفیت محصول و طرح محصول از قبیل ملاحظه ای

روی عملکرد جاری و آتی شرکت خواهند داشت .

آخرین اماممقرین مسئله برای حسابداران مسئله استهلاك است .
استهلاك را بسیاری از انجمن های حرفه ای کاهش در ارزش دارائیسی
تعریف کرده اند که این تعریفی بسیاری مفهوم است .

فرض کنید که يك دارائی ۵ سال پیش به مبلغ ۱۰۰٫۰۰۰ ریال
خریداری شده است و استهلاك سالانه آن ۱۰٫۰۰۰ ریال می باشد، در
سال جاری هزینه استهلاك ۱۰٫۰۰۰ ریال است و ارزش دارائی در آخر
امسال ۵۰٫۰۰۰ ریال می باشد . اما این تصویر ایستا بسختی می تواند
واقعیات را نشان دهد . در دنیای واقعی يك شرکت ممکن است
ورشکست شود . در چنین حالتی ارزش دارائی مزبور نمی تواند از
۵۰٫۰۰۰ ریال (یعنی ارزش اسقاط آن) بیشتر باشد . می دانیم که ارزش
يك دارائی در بازار دست دوم بشکل خطی (متناسب) کاهش نمی یابد .
ارزش يك ماشین جدید حداقل ۲۵ درصد در روزی که خریداری می شود،
کاهش می یابد . دلیلی برای این مسئله وجود ندارد، اما از نظر روانی
رفتار بشر این چنین است .

حال فرض کنید که تحول جدیدی در صنعتی که شرکت مورد نظر ما
در آن فعالیت می کند، بوجود آمده است، ماشین جدیدی که به مراتب
از نظر بهره وری، مصرف نیرو و کیفیت محصول پیشرفته تر از ماشین
قبلی است در دسترس می باشد . شرکت در رقابت با شرکت های
رقیب در وضعیت بدتری قرار دارد زیرا رقبا ماشین جدید را خریداری
کرده اند . بنابراین رقبا قادر به کاهش قیمت محصول خود هستند .

ارزش ماشین قدیمی که در تولید مورد استفاده قرار می گیرد
در این حالت نه تنها مثبت نیست بلکه منفی است . غالباً این ارزش

منفی قابل ملاحظه نیز می باشد. این ارزش منفی را می توان به —
محاسبه هزینه فرصت اردست رفتن بهره وری، سهم بازار و غیره به
استفاده اذرمول ارزش فعلی برای گذشته و آینده شرکت محاسبه
کرد.

استهلاك بمفهوم سنتی در این حالت بی معنی می باشد. بخصوص
برای کشورهای توسعه نیافته که وضعیت آنها مانند وضعیت شرکتی است
که توانایی خرید ماشین جدید را ندارد. بعلمت عقب ماندگی اقتصادی
وفنی، ماشینهایی با عمر ۲۵ تا ۵۰ سال هنوز در این کشورها به تولید
کالا اشتغال دارند. با توجه به منابع محدود در دسترس راه دیگری که این
کشورها در پیش رو دارند، استفاده از نیروی کار بجای ماشین با احتیسی
روشهای گهنگه تر تولید می باشد. در این حالت ماشین به تولید ثروت
اقتصادی مشغول است و از نظر اقتصادی دارای ارزش می باشد ،
در حالی که بر اساس مفهوم سنتی استهلاك ماشین مزبور سالهاست که
کاملاً "مستهلك شده و بنابراین ارزش آن در دفاتر تقریباً" برابر صفر
می باشد.

بهترین روشی که حسابداران می توانند از آن استفاده کنند
شاید روشی مشابه روش محاسبه سهم ماشین آلات در تولید یا سهم هزینه های
ثابت در هزینه یابی نهائی باشد. سود شرکت باید بعنوان سهمی
در جهت خرید ماشین آلات جدید در نظر گرفته شود. ممکن است در چنین
حالاتی يك شرکت حتی زیان نشان دهد. اما این زیان وضعیت آتی
شرکت را سریعتر نشان خواهد داد. همانطور که آقای لویست اشاره
کرده است: "شرکتهای رشدیابنده وجود ندارند، شرکتهائی که وجود
دارند شرکتهائی هستند که برای ایجاد شرایط رشد و سرمایه گذاری در

این شرایط سازمان یافته اند. اگر حسابداران اطلاعات مناسب را
که به مدیران دریافتن فرصتهای رشد کمک می کند، ارائه نکنند،
وظیفه خود را بدرستی انجام نداده اند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی